انتخابات ریاست جمهوری برنامه محور یا فرد محور

عادلی، محمد حسین

در تمام جوامعی که از نظر سیاسی پیشرفته به شمار می‏روند انتخابات رئیس کشور و یا نمایندگان به صورت‏ سازمان یافته‏ای انجام می‏شود.به عبارت دیگر احزاب‏ در این جوامع نقش بسیار مهمی را ایفاء می‏کنند.هر حزب‏ نه تنها دیدگاه‏های سیاسی،اجتماعی و اقتصادی خود را به طور مرتب به اطلاع عموم مردم می‏رساند و از این طریق‏ تفاوت‏های خود را با دیگر احزاب نمایان می‏سازد،بلکه‏ در هر دوره از انتخابات به طور دقیق برنامه‏های خود را اعلام می‏کند.مردم از طریق آشنایی با برنامه‏های احزاب‏ می‏توانند پیش‏بینی کنند که در صورت روی کار آمدن یک‏ حزب چه اتفاقی می‏افتد و شیوه اداره جامعه به چه‏ صورتی خواهد بود.

از سوی دیگر مردم نیز فعالانه از احزاب انتظار دارند برنامه‏های خود را به صورت مشخص،معین و دقیق‏ اعلام کنند و اگر ندانند با روی کار آمدن یک حزب چه‏ سرنوشتی خواهند داشت حاضر به دادن رأی نمی‏شوند.

چندی پیش و در اوایل اردیبهشت ماه جاری انتخابات‏ سراسری در انگلستان برای تعیین نمایندگان‏ مجلس و نخست وزیر و دولت برگزار شد. سه حزب عمده کارگر،محافظه کار و لیبرال‏ دموکرات در این انتخابات شرکت داشتند.از آنجا که احزاب در انگلستان جا افتاده و دارای‏ سابقه‏ای نسبتا طولانی هستند،مردم از تفاوت‏های‏ آن‏ها به خوبی آگاهند.برای مثال مردم‏ می‏دانند که حزب کارگر از دل اتحادیه‏های‏ کارگری برخاسته و در اصول به توجه بیشتر به منافع کارگران و کارکنان و تأمین رفاه آنان‏ باور دارد.به گرفتن مالیات و تهیه بودجه برای‏ تأمین اجتماعی معتقد است و بر مسئولیت‏های دولت در آموزش و بهداشت‏ تأکید بسیار می‏ورزد.

در مقابل،حزب محافظه‏کار از بین‏ فدراسیون صنایع،بازرگانان و اتحادیه‏های‏ کار فریان برخاسته است.در اصول خود معتقد به تأمین شرایط مناسب برای کار آفرینان‏ جامعه است.این حزب معتقد است که رفاه‏ جامعه از این طریق بیشتر تأمین می‏شود.

در برابر این دو،حزب لیبرال دموکرات، حزب روشنفکران است که معتقد به‏ آزادی‏های اساسی،حقوق بشر،تأمین رفاه‏ برای مردم و توجه به محیط زیست و مردم از طریق آشنایی با برنامه‏های احزاب می‏توانند پیش بینی کنند که در صورت روی کار آمدن یک‏ حزب چه اتفاقی می‏افتد و شیوه اداره جامعه‏ به چه صورتی خواهد بود

همزیستی مسالمت آمیز است.در حالیکه دو حزب کارگر و محافظه‏کار در سال 2002 به پیوستن انگلستان به جنگ‏ آمریکا بر علیه عراق رای دادند،حزب لیبرال دموکرات با حضور انگلستان در جنگ مخالفت کرد و در تمام این مدت‏ مخالفت خود را آشکارا به طرق مختلف بیان کرده است.

گر چه مردم با پیشینه و مواضع هر سه حزب آشنایند،ولی‏ به هنگام انتخابات اخیر هر یک از آنان ملزم بودند مانیفست‏ با برنامه دقیق خود را برای امور مختلف کشور تدوین کنند و به اطلاع مردم برسانند.آن‏ها در تدوین برنامه خود در برخی موارد چندان به جزئیات امور پرداخته بودند که حتی‏ تفاوت میزان مالیات مورد نظر حزب کارگر نسبت به حزب‏ محافظه‏کار برای مردم روشن بود.

در نتیجه مردم انگلستان به روشنی می‏دانستند که اگر حزب کارگر در انتخابات پیروز شود و در نخست وزیر این‏ حزب اداره دولت را به دست بگیرد در سال چقدر باید مالیات بدهند و در مقابل چه مقدار خدمات آموزشی و بهداشتی را می‏توانند انتظار داشته باشند.در چند مورد رؤسای احزاب در برنامه‏های ویژه تلویزیونی‏ بودجه مورد نظر خود را با اعداد و ارقام عنوان‏ می‏کردند و در باره سیاست‏های عمومی‏ کشور به دقت پاسخ می‏گفتند.تبلیغات حزب‏ لیبرال دموکرات،که تحریم جنگ را یکی از محورهای تبلیغاتی خود قرار داده،بود باعث‏ شد که مردم و رسانه‏ها به طور دقیق از رهبران‏ احزاب دیگر بخواهند موضع خود را در صورت پیروزی در این مورد بیان کنند.

بنابر این جوامعی که از نظر سیاسی توسعه‏ یافته‏اند انتخابات خود را حول محور برنامه‏های احزاب و کاندیداها برگزار می‏کنند.مردم نیز همان را مطالبه می‏کنند.

در کشور ما به نظر می‏رسد علاقه زیادی به‏ بحث در باره برنامه کاندیداها و احزاب وجود ندارد.در درجه اول مردم،گروه‏ها و احزاب را به دقت شناسایی نمی‏کنند.در آستانه هر انتخابات گروه با گروه‏هایی اعلام وجود و از مجموعه‏ای حمایت می‏کنند.در آستانه هر شناخت بسیار کلی و مبهم به یک مجموعه رأی‏ می‏دهند،نه گروه‏ها تلاش می‏کنند دیدگاه‏ها و اصول و برنامه‏های خود را منتشر کنند و نه مردم‏ دیدگاه‏های و برنامه‏هایی را از آن‏ها مطالبه می‏کنند. برای مثال وقتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی،فهرست نامزدهای روحانیون مبارز در برابر فهرست‏ روحانیت مبارز،فهرست مشارکت در برابر فهرست دفتر تحکیم وحدت و سازمان مجاهدین انقلاب،فهرست‏ کارگزاران سازندگی در برابر فهرست اعتدال و توسعه قرار می‏گیرد،مردم تفاوتی بین برخی از آنان قائل نمی‏شوند و یا در نمی‏یابند.باقی موارد هم تنها حدس می‏زنند که گروه‏ها در پی انجام چه برنامه‏ای هستند،در واقع حدس آن‏ها بیشتر متکی به ارزیابی‏شان از شخصیت‏های است که در هر لیست‏ حضور دارند.

در انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری نیز وضع بر همین منوال است.اصولگرایان،آبادگران،مؤتلفه، مشارکت و...به صورت گروه و سازمان عرض اندام‏ کرده و نامزدهای خود را به صورت گروهی و دسته جمعی معرفی کرده‏اند.عده‏ای نیز به صورت انفرادی‏ کاندیدا شده‏اند و برخی احزاب و گروه‏ها از آن‏ها حمایت‏ کرده‏اند.برخی نیز به صورت فردی از عناوین گروه‏های‏ متضاد مانند اصلاح طلب اصولگر استفاده کرده‏اند.سئوال‏ این است که آیا مردم واقعا می‏دانند که این گروهها در پی چه‏ هستند؟نظر آنها در باره اداره امور اقتصادی،اجتماعی، فرهنگی و سیاسی چیست؛آیا می‏دانند که در صورت روی‏ کار آمدن کاندیدای یک گروه وضع کشور به چه شکلی تغییر می‏کند؛پاسخ این است که همه می‏دانند ولی بسیار کنگ و مبهم.در واقع همه حدس می‏زنند،برای برداشت آن‏هها متکی‏ بر تصوری است که از هر فرد و یا شخصیت کاندیدا دارند.

چندی پیش تلاش کردیم تا در جهت سازماندهی به‏ موضوع از کاندیداها و گروه‏ها برخی پرسش‏های‏ مشخصی را برای روشن شدن دیدگاه‏های آنان مطرح‏ نه گروه‏ها تلاش می‏کنند دیدگاه‏ها و اصول و برنامه‏های خود را منتشر کنند و نه مردم دیدگاه‏ها و برنامه‏هایی را از آن‏ها مطالبه می‏کنند

کنیم و از نامزدهای انتخابات بخواهیم به آن‏ها پاسخ‏ دهند.بسیاری از آنان از دادن پاسخ امتناع ورزیدند.در نهایت به سختی توانستیم نظرات برخی از نزدیکان به‏ نامزدها را به طور نمادین دریافت کنیم.

اما پرسش‏های ما همچنان به قوت خود باقی‏اند.آیا به‏ راستی مردم می‏دانند که کاندیداها در باره موضوعات زیر چگونه می‏اندیشند.

آیا به اقتصاد آزاد مبتنی بر مکانیزم بازار اعتقاد دارند؟آیا معتقد به خصوصی سازی و اصطلاحات اقتصادی هستند؟آیا معتقد به توسعه سیاسی و تشکیل احزاب هستند؟در مورد با افزایش بلوغ سیاسی‏ جامعه لازم است هر دو طرف‏ معادله یعنی گروه‏ها و کاندیداها از یک سو و مردم از سوی دیگر رویکرد برنامه محور را بر رویکرد فرد محور ترجیح دهند

آزادی مطبوعات چه می‏اندیشند؟برای حقوق بشر و احترام به کرامت انسان چه برنامه‏ای دارند؟در مورد مسایل فرهنگی و اجتماعی خودشان چه فکر می‏کنند؟آیا تربیت جوانان راه فقط از طریق برخورد با آنان در خیابان‏ها موثر می‏دانند؟در مورد نقش زنان و مشارکت فعال آنان در فرآیند سیاسی،اجتماعی و اقتصادی‏ و فرهنگی جامعه چه برنامه‏ای دارند؟در مورد سیاست‏ خارجی جایگاه ایران در منطقه و جهان چگونه ارزیابی‏ می‏کنند؟آیا برنامه‏ای برای اصلاح و رابطه ما با غرب و کاستن‏ از دشمنی آمریکا با ما دارند؟در مورد پیوستن ما به بازارهای‏ جهانی نظیر سازمان تجارت جهانی و منطقه‏ای و تجارت‏ آزاد با کشورهای آسیای میانه چه فکر می‏کنند؟

پاسخ به این سئوالات و پرسش‏هایی از این قبیل برای روشن‏ شدن اذهان مردم بسیار مهم است،آنچه متأسفانه در انتخابات‏ جاری شاهد آن هستیم فعالیت انتخاباتی«فرد محور»است. در فعالیت‏ها به شخص کاندیدا و خانواده او توجه می‏شود، ولی به برنامه او توجه زیادی نمی‏شود.

مادام که انتخابات برنامه محور نباشد،معیار درستی نیز برای ارزیابی عملکرد نامزدها نخواهیم داشت.اما اگر برنامه‏ها ارائه شوند مردم خواهند توانست بر اساس این‏ برنامه‏ها به ارزیابی عملکرد رئیس جمهور خود بپردازند.

به هر تقدیر با افزایش بلوغ سیاسی جامعه لازم است‏ هر دو طرف معادله یعنی گروه‏ها و کاندیداها از یک سو و مردم از سوی دیگر رویکرد برنامه محور را بر رویکرد فرد محور ترجیح دهند.برای مثال آیا پسندیده‏تر نیست که از کاندیداها خواسته شود که هر یک به طور صریح نظر خود را در باره 10 موضوع اساسی و مشخص جامعه و سیاست‏ خارجی بیان کند تا مردم بتوانند دیدگاه‏های آن‏ها را با یکدیگر مقایسه کنند؟اگر می‏خواهیم جوانان را به‏ مشارکت در انتخابات تشویق کنیم،آیا بهتر نیست به آن‏ها بگوییم چه برنامه‏ای برایشان در نظر داریم؟

روند اقتصادی در تلاش برای برنامه محور کردن انتخابات‏ جاری سئوالات زیر را برای کاندیداها یا گروه‏های معرفی کننده‏ کاندیداها مطرح می‏کند تا آنان از طریق پاسخ به سئوالات‏ رو به رو مواضع خود را برای مردم روشن کنند:

1-به کدام مدل اقتصادی اعتقاد دارید؟در باره اقتصاد آزاد مبتنی بر مکانیزم بازار چگونه می‏اندیشید؟

2-در باره اصلاحات اقتصادی مانند خصوصی سازی،آزاد سازی قیمت‏ها و یارانه‏ها، به ویژه یارانه بنزین،کوچک کردن دولت، سرمایه گذاری خارجی به ویژه پولی مالی و بانک‏ها چه نظری دارید؟موضع شما در مورد دو پرونده‏ ترک سل و مشارکت فرودگاه امام چیست؟

3-در مورد پیوستن به اتحادیه‏های اقتصادی جهانی‏ مانند سازمان تجارت جهانی و اتحادیه‏های اقتصادی‏ منطقه‏ای چیست؟

4-برای توسعه سیاسی،آزادی احزاب،تضمین‏ حقوق بشر و حفظ حقوق متهمان چه برنامه‏ای دارید؟

5-در باره آزادی بیان و مطبوعات چگونه فکر می‏کنید؟

6-در مورد ارتقا،نقش زنان در امور سیاسی، اجتماعی،فرهنگی و اقتصادی چه می‏اندیشید؟آیا با حضور زنان در سمت‏های مختلف مانند سفیر،وزیر و حتی مقامات بالاتر اجرایی موافقید دارید؟

7-آیا موافق با گسترش فناوری‏های اطلاعات و ارتباطات هستید؟در مورد اینترنت و استفاده از آن چه‏ فکر می‏کنید؟

8-برای حل معضلات محیط زیستی کشور،به ویژه‏ آلودگی هوای شهر تهران چه برنامه‏ای دارید؟

9-برای اصلاح رابطه با غرب،کاهش تنش با آمریکا و کاستن از هزینه‏های جانبی از آن چگونه می‏اندیشید؟

10-در مورد برنامه‏های صلح آمیز هسته‏ای کشور و چگونگی پیشبرد آن چه موضعی دارید؟